



«تقدیس کلیسا»

آبان ماه ۱۳۹۸

نوامبر ۲۰۱۹

زیرا گناه وی مانع از آن نیست که بار مأموریت شبانی به وی سپرده شود. پطرس در رأس کلیسا قرار دارد با این حال مأموریت وی خدمت گذاری است و در آخرین باب انجیل یوحنا به روشنی تأکید می کند که او از ایثار تا شهادت پیش برود. پطرس به مثابه استاد خود به «شکوه دادن خدا» فرا خوانده شده (یوحنا باب ۲۱ آیه ۱۹).

کلیسا بدن مسیح، کلیسا پیوند با مسیح است. عیسی مسیح از همان آغاز شاگردانش را در زندگی خود شریک کرده، راز ملکوت را برای آنان گشوده و سهمی از رسالت، شادی و مصیبت ها را به آنان داد. (مرقس باب ۱ آیه ۱۶-۲۰) تشبیه کلیسا به بدن مسیح رابطه عمیق بین او و کلیسایش را روشن می کند. نه تنها کلیسا حول او جمع شده است، بلکه در او یعنی در بدن او متحد شده است. مسیح به عنوان سر کلیسا و کلیسا به عنوان بدن مسیح لقب گرفته و هم چنین کلیسا عروس مسیح می باشد. (رساله به کولسیان باب ۱ آیه ۱۸) ایماندارانی که به کلمه خدا پاسخ میدهند و اعضای بدن مسیح می شوند عمیقاً با او متحد می شوند. به این ترتیب مسیح و کلیسایش با هم یکی می باشند. فیضی را که خداوند به ما عطا کرده است باعث می گردد به خود بیالیم و شکر گزار او باشیم. هفته شروع تقدیس کلیسا بر تمامی شما ایمانداران

مبارک باشد، فیض خداوندان عیسی مسیح

همیشه با شما باد. آمین

برادر شما

کشیش وانیا

دوستان عزیز، با شروع هفته تقدیس کلیسا (قودش ایثا) با کمک روح القدس بتوانیم بیشتر به اهمیت کلیسا پی برده و خود را آماده خدمت گذاری نماییم. در انجیل متی باب ۱۶ آیه ۱۶ آمده است: "وقتی عیسی از شاگردان می پرسد شما مرا کی می دانید؟ پطرس جواب میدهد: تو مسیح پسر خدای زنده هستی." در جواب پطرس عیسی مسیح که بنای کلیسای خود را محکم، قوی و با دوام ساخت چنین می فرماید: "و من نیز به تو می گویم تو پطرس هستی و من بر این صخره کلیسای خود را بنا می کنم و نیروهای مرگ هرگز بر آن چیره نخواهد شد" (انجیل متی باب ۱۶ آیه ۱۸).

در این آیه است که خداوند نام کلیسا را برای اولین بار اعلام می نماید به معنی واقعی حضور جماعت ایمانداران، خواننده شدگان و برگزیدگان می باشد. هم چنین در عبرانیان باب ۱۰ آیه ۲۵ می فرماید: "از حضور در مجالس عبادت غافل نشوید بلکه یکدیگر را تشویق کنید." مسیح از پطرس شمعون می پرسد که آیا مرا بیش از آنها محبت می کنی؟ آیا مرا محبت می نمایی؟ آیا مرا دوست داری؟ عیسی سه بار همان پرسش را می کند، اما با جمله بندی متفاوت. میان این سخنان و انکارهای پطرس در طی شب پیش از رنج عیسی می توان یافت (یوحنا باب ۱۸ آیه ۱۷ و باب ۲۵ آیه ۲۷).

عیسی مسیح با این سئوالات می خواهد تا سه بار وفاداری پطرس به خود را ابراز نماید تا اینکه سه بار مأموریت واحد را به وی بسپارد که همان شبانی کلیسا می باشد. عیسی رستاخیز کرده سستی و ضعف پطرس را بخشیده،

اگر بتوانی ...

اگر بتوانی آرامش خود را حفظ کنی ،
وقتی همه اطرافیان آن را از دست داده اند ؛
اگر بتوانی اعتماد به نفس خود را نگه داری ،
وقتی همه به قابلیت تو شک دارند ؛
اگر بتوانی صبور و شکیبا باشی ،
اگر قادر باشی اهانت را با اهانت جواب ندهی ؛
اگر مورد نفرتی ، متنفر نشوی ؛
بدون آنکه نه زیادی خودت را خوب نشان دهی ،
و نه زیادی عاقل ،
اگر بتوانی رویاها داشته باشی بدون آنکه صاحب فکر تو گردند ،
اگر بتوانی از اندیشه و فکر خود استفاده کنی بدون آنکه برای تو هدف شوند ،
اگر بتوانی با پیروزی و شکست مواجه شوی ،
و در هر دو مورد یکجور رفتار کنی ،
اگر از حقیقتی که تو گفته ای شخص نادرستی
برای گول زدن آدم ساده ای استفاده کرده باشد ، و تو بتوانی بر خود مسلط بمانی ،
اگر بتوانی با حفظ آرامش ، به محبتی که از بین رفته بنگری و
در پی بنای دوباره آن باشی بدون آنکه ابزار چندانی در دست داشته باشی ؛
اگر بتوانی همه موفقیت هایت را کنار بگذاری
و یکباره همه آنها را نادیده گرفته از نو شروع کنی ،
بدون اینکه کلام حسرت آمیزی به زبان آوری ،
اگر بتوانی قلب و شهامت خویش را بعد از مدت‌ها ،
از نو به جنبش آوری در حالی که حس اش را نداشته باشی
و فقط از نیروی اراده ات استفاده کنی ؛
اگر بتوانی با نادرستان صحبت کنی بدون آنکه درستی خود را از دست بدهی ،
و یا با پادشاهی قدم زنی بدون اینکه خودت را گم کنی؛
اگر نه دشمن و نه دوست زیادی وسواس ، هیچکدام قادر به زخمی کردن تو نباشند ،
اگر همه انسانها برای تو مهم باشند و نه یکی بیشتر از همه ،
اگر بتوانی لحظات خالی را پر کنی ،
و گذشت زمان را ارزش بخشی ،

زمین از آن توست ، و آنچه که در آن است ،
و مهمتر از همه اینکه : تو یک انسانی ، فرزندم!

ده سؤالی که خدا در "آن روز" از تو خواهد کرد

- ۱- خدا از تو نخواهد پرسید: مارک ماشین تو چه بود؟
بلکه از تو خواهد پرسید چند نفر را کمک و سوار کردی.
- ۲- خدا از تو نخواهد پرسید: خانه تو چقدر بزرگ بود؟
بلکه از تو خواهد پرسید از چه کسانی در خانه ات پذیرایی کردی.
- ۳- خدا از تو نخواهد پرسید: در کمد لباس چقدر لباس داشتی؟
بلکه خواهد پرسید چند نفر را پوشاندی.
- ۴- خدا از تو نخواهد پرسید: چقدر حقوق میگرفتی؟
بلکه خواهد پرسید چطور به این درآمد رسیدی.
- ۵- خدا از تو نخواهد پرسید: مقام تو چه بود؟
بلکه از تو خواهد پرسید چطور بر حسب وجدانت کار کردی.
- ۶- خدا از تو نخواهد پرسید: چند تا دوست داشتی؟
بلکه از تو خواهد پرسید که برای چند نفر دوست واقعی بودی.
- ۷- خدا از تو نخواهد پرسید: تو چه محلی زندگی می کردی؟
بلکه خواهد پرسید که رفتار تو با همسایه گان چگونه بود.
- ۸- خدا از تو نخواهد پرسید: سفید پوست بودی یا رنگ دیگری داشتی؟
بلکه از تو خواهد پرسید چگونه انسانیت کردی.
- ۹- خدا از تو نخواهد پرسید: از کی دیندار شدی؟
بلکه وقتی نزدیک در بهشت برسی خودش به استقبال خواهد آمد.
- ۱۰- خدا از تو نخواهد پرسید: چند نفر را به دین دعوت کردی؟
بلکه برای خدا نیت تو در اعمال کافی است.

خوشبحال رحم‌کنندگان...

شهامت ...

شهامت داشتن به معنی خالی از ترس بودن نیست. شهامت داشتن اول یعنی ترسهایمان را بشناسیم و به هر یک اسم بدهیم. آن وقت از این مرزهای مشخص شده عبور کنیم تا به آنچه ارزشمند است برسیم. به این ترتیب شهامت ، دیگر یک صفت دست نیافتنی نخواهد بود. امروز ما جوانان با ترسهای زیادی روبرو هستیم، مثلاً نداشتن یک موقعیت ثابت و مناسب از نظر شغلی و بنابراین ناتوانی در تشکیل خانواده و ... امروز انجام انتخاب های صحیح و پخته و بالغ بسیار مشکل می باشند، اما لازم است.

شهامت یک زندگی شاد

شهامت شنا کردن ضد جریان رودخانه و در عین حال شاد زیستن ... برآستی این چگونه شهامت است؟ تصمیم بگیریم که خوشبختی مان را با دیگران بسازیم. با کسانی که ما را همراهی می کنند ، متقابلاً ، سعادت را برای هم تأمین کنیم. هیچ یک از ما کامل نیست بنابراین شهامت در بودن با هم یعنی شناختن ضعف ها و تقویت خصایص ارزشمند یکدیگر. این کمکمان می کند که همدردی کنیم و قادر به بخشیدن باشیم. این همان روش عیسی برای زندگی با شاگردانش بود ... او آقای مرگ و مخصوصاً زندگیست.

امید یعنی حرکت برای بنای فردا

برآستی امیدوار بودن را همگی ما بلد نیستیم. امیدوار بودن منتظر ماندن بدون حرکت کردن نیست. یک شخص امیدوار منتظر نمی ماند بلکه حرکت می کند. و آنکه به خدا ایمان دارد همیشه از سوی او به حرکت خوانده می شود. برای ما ایمان داران امید داشتن به نشانه یک رستاخیز روزانه است: برخاستن و بسوی جلو حرکت کردن. نیروی اینکار از سوی روح القدس در ما فعال است. عیسی را در اناجیل بنگرید: همیشه در حال حرکت ، همیشه در پی حل مشکلات. نه چون مطمئن بود قدرت اینکار را دارد ، بلکه اطمینان و تکیه او به حضور پدر و نیروی برخاسته از روح القدس بود. آنچه عیسی به آن اشاره کرد جاده بود ، هر باری که کسی را لمس کرد نیروی پیشروی را در او برانگیخت و حضورش افراد را منقلب می ساخت. اجازه بدهیم که او ما را هم لمس کند.

دو مداد سیاه

از دو مرد دو خاطره متفاوت از گم شدن مداد سیاه‌شان در مدرسه شنیدم.

مرد اول می‌گفت:

«چهارم ابتدایی بودم. در مدرسه مداد سیاهم را گم کردم. وقتی به مادرم گفتم، سخت مرا تنبیه کرد و به من گفت که بی‌مسئولیت و بی‌حواس هستم. آن قدر تنبیه مادرم برایم سخت بود که تصمیم گرفتم دیگر هیچ وقت دست خالی به خانه برنگردم و مدادهای دوستانم را بردارم. روز بعد نقشه‌ام را عملی کردم. هر روز یکی دو مداد کش می‌رفتم تا اینکه تا آخر سال از تمامی دوستانم مداد برداشته بودم. ابتدای کار خیلی با ترس این کار را انجام می‌دادم، ولی کم‌کم بر ترسم غلبه کردم و از نقشه‌های زیادی استفاده کردم تا جایی که مدادها را از دوستانم می‌دزدیدم و به خودشان می‌فروختم. بعد از مدتی این کار برایم عادی شد. تصمیم گرفتم کارهای بزرگتر انجام دهم و کارم را تا کل مدرسه و دفتر مدیر مدرسه گسترش دادم. خلاصه آن سال برایم تمرین عملی دزدی حرفه‌ای بود تا اینکه حالا تبدیل به یک سارق حرفه‌ای شدم!»

مرد دوم می‌گفت:

«دوم دبستان بودم. روزی از مدرسه آمدم و به مادرم گفتم مداد سیاهم را گم کردم. مادرم گفت: «خوب چه کار کردی بدون مداد؟» گفتم: «از دوستم مداد گرفتم.» مادرم گفت خوبه و پرسید که دوستم از من چیزی نخواست؟ خوراکی یا چیزی؟ گفتم نه. چیزی از من نخواست. مادرم گفت: «پس او با این کار سعی کرده به دیگری نیکی کند، ببین چقدر زیرک است. پس تو چرا به دیگران نیکی نکنی؟» گفتم: «چگونه نیکی کنم؟» مادرم گفت: «دو مداد می‌خریم، یکی برای خودت و دیگری برای کسی که ممکن است مدادش گم شود. آن مداد را به کسی که مدادش گم می‌شود می‌دهی و بعد از پایان درس پس می‌گیریم.» خیلی شادمان شدم و بعد از عملی کردن پیشنهاد مادرم، احساس رضایت خوبی داشتم آن قدر که در کیفم مدادهای اضافی بیشتری می‌گذاشتم تا به نفرات بیشتری کمک کنم. با این کار، هم درس خیلی بهتر از قبل شده بود و هم علاقه‌ام به مدرسه چند برابر شده بود. ستاره کلاس شده بودم به گونه‌ای که همه مرا صاحب مدادهای ذخیره می‌شناختند و همیشه از من کمک می‌گرفتند. حالا که بزرگ شده‌ام و از نظر علمی در سطح عالی قرار گرفته‌ام و تشکیل خانواده داده‌ام، صاحب بزرگ‌ترین جمعیت خیریه شهر هستم.»

دعا کردن به چه درد می خورد؟!؟



مسیحیان
کاتولیک ، هر
یک به تنهایی
و یا همراه با
دیگران ، به
دعا می نشینند.
دعای خود را با

صدای بلند و یا در سکوت ابراز می کنند. آنان در نام عیسی مسیح ، پدر آسمانی را ندا می کنند. هنگامی که در کلیسا جمع می شوند ، برای قرائت و تعمق کلام خدا و سپس دریافت قربانی مقدس می باشد.

مسیحیان ارتدکس ، عادت دارند که در مقابل شمایلهای مقدس به دعا بپردازند. و مسیحیان پروتستان خداوند را می سرایند و تنها سرچشمه دعا را کلام خدا می دانند. خلاصه همه انسانها ، خدا را به یک شکل نمی جویند ، بلکه راههای متفاوتی وجود دارند. همانطور که می دانید بعضی هنوز هم به خدایان مختلفی اعتقاد دارند. بعضی هم مانند یهودیان ، مسیحیان و مسلمانان به یک خدا ایمان دارند.

... و اما با دعا کردن چه چیز عوض می شود؟

چطور می توان فهمید که خدا مرا می شنود؟

در کتاب مقدس از زبان مزموور نویس چنین می خوانیم: خدایا چرا مرا ترک کرده ای؟ و یا : من به سوی تو فریاد بر میآورم و تو مرا جواب نمی دهی! ...

بارها انسانها در مقابل خدا قرار گرفته اند بدون اینکه مطمئن باشند که صدای ایشان را می شنود. شاید این درست باشد که حضور خدا را نمی توان لمس کرد ، اما این حضور خداست که به شخص ایمان دار قوت دعا کردن و لذت بردن از آن را می دهد. حضور خدا ، صدا

هزاران سال است که انسانها دعا می کنند. آنها سعی می کنند تا با خدا ملاقات کنند: گاهی با کلمات ، گاهی با سکوت ، گاهی هم با حرکات و یا تقدیم قربانیها. با او حرف می زنند و منتظر یک جواب می مانند. اما به راستی دعا به چه درد می خورد؟!؟

در دنیا مردان و زنان بسیاری هنوز دعا می کنند: از خدا تشکر می کنند ، درخواستی را ابراز می کنند و یا کمکی از او می خوانند و گاهی هم دردشان را با او در میان می گذارند.

مثلاً ... در شهری به نام مالی در آفریقا ، برای یادآوری از نیاکانشان و ایجاد ارتباط با ایشان ، مراسمی برگزار می کنند که طی آن با ماسکهای متفاوت رقصهایی را اجرا می کنند. مردمان آنجا به خدایان بسیاری اعتقاد دارند و به انحاء مختلف سعی می کنند با این خدایان ارتباط برقرار کنند.

... پیروان مسلک هندو برای ایجاد این ارتباط ، خود را در یکی از پنج رودخانه ای که از نظر ایشان مقدس است ، تطهیر می کنند و برای خدایان خود که هر یک را مظهری از «روح عالم» می دانند ، گل ، آب و یا خوراکی تقدیم می کنند.

... بودایان تعمق و تأمل را به کار می گیرند و سعی می کنند با پیروی از تعالیم بودا به «بیداری» برسند.

ایمانداران یهود در مقابل دیوار ندبه در شهر اورشلیم به دعا می پردازند و معتقدند که هر لحظه ای از زندگی ، موقعیتی است برای ایجاد ارتباط با خدای حی . ایشان در کنایس نیز اجتماع می کنند تا با هم کلام خدا را بخوانند و بر آن تعمق کنند.

مسلمانان در مساجد جمع می شوند تا با هم عظمت خدا را اعلام کنند. ایشان روزانه تا پنج بار رو به مکه با حرکاتی دقیق نماز می خوانند.

ندارد ، اما شخص می تواند آن را در اعمال محبت تجربه کند ، به شرط آنکه در پی دریافتن این حضور باشد.

این درست است که رنج و بدبختی زیادی در جهان هست ، اما باید بدانیم و ایمان داشته باشیم که خدا بدی را نیافرید بلکه بدی نتیجه گناه بشر است ؛ در ضمن خدا مثل یک جادوگر عمل نمی کند.

خدا چگونه عمل می کند؟

بنا به اعتقاد ما مسیحیان ، قدرت خدا ما را در همه حال حتی در زمان رنج همراهی می کند تا ما انسانها راه درست زیستن و رفتار نمودن را دریابیم و به این ترتیب در خداوند رشد کنیم .

خدا چیزها و یا وقایع را تغییر شکل نمی دهد ، بلکه او ، هر یک از ما را دگرگون می سازد ، در صورتی که حضور او را بپذیریم ، به او اطمینان کنیم و به ندای او پاسخ مثبت دهیم.

حکایت است که در میدان شهر شخص حکیمی به همه سؤالات مردم در نهایت فهم پاسخ می گفت . ناگاه چوپانی پرنده کوچکی را در مشت خود گرفت و با صدای بلند فریاد کرد: ای حکیم ، بگو که پرنده که در مشت من است زنده است یا مرده؟ ... اگر آن حکیم می گفت که زنده است ، پرنده را با فشاری می کشت ، و اگر می گفت مرده است ، مشت را می گشود و پرنده می رفت . پس حکیم گفت : پرنده ای که در مشت داری ، همانطور است که تو می خواهی!

اگر آن را مرده می خواهی مرده است و اگر زنده می خواهی ، زنده است .

دوست عزیز ، تو هستی آنچه خود برگزیدی که باشی و خدا برای تو همان است که تو اجازه داده ای که باشد.

اگه حالا نه ، پس کی؟ ...
اگر من نه ، پس کی؟

یک هیمون از روی درخت نارگیل ، نارگیلی کند و به طرف شخصی که از زیر درخت رد می شد پرتاب کرد.

او نیز نارگیل را برداشت و شیر آن را نوشید ،

نارگیل را خورد و از پوستش یک کاسه برای خودش درست کرد.

زندگی هم دائماً مسائل را به سوی ما پرتاب خواهد کرد ...

اما هر مسئله ای موقعیتی است برای پیشرفت کردن ؛

هر مشکلی راه حل دارد ؛

پس ؛ قبل از اینکه خود را مغلوب بدانیم ؛

به دنبال این راه حل باشیم .

اخبار و تقویم کلیسای

- یکشنبه ۱۲ آبان ۹۸ = ۳ نوامبر ۲۰۱۹، یکشنبه اول تقدیس کلیسا.

عهد عتیق: اشعیاء فصل ۶ آیه ۱-۱۳

رساله: اول قرنطیان فصل ۱۳ آیه ۱-۱۳

انجیل: متی فصل ۱۶ آیه ۱۳-۱۹

- یکشنبه ۱۹ آبان ۹۸ = ۱۰ نوامبر ۲۰۱۹، یکشنبه دوم تقدیس کلیسا

عهد عتیق: سفر خروج فصل ۴۰ آیه ۱-۱۶

رساله: عبرانیان فصل ۸ آیه ۱-۱۳

انجیل: متی فصل ۱۲ آیه ۱-۲۱

- یکشنبه ۲۶ آبان ۹۸ = ۱۷ نوامبر ۲۰۱۹، یکشنبه سوم تقدیس کلیسا

عهد عتیق: اشعیاء فصل ۵۴ آیه ۱-۱۵

رساله: عبرانیان فصل ۹ آیه ۵-۱۵

انجیل: یوحنا فصل ۲ آیه ۱۲-۲۲

- یکشنبه ۳ آذر ۹۸ = ۲۴ نوامبر ۲۰۱۹، یکشنبه چهارم تقدیس کلیسا

عهد عتیق: حزقیال فصل ۴۳ آیه ۱-۷

رساله: عبرانیان فصل ۹ آیه ۱۶-۲۸

انجیل: متی فصل ۲۲ آیه ۴۱ الی فصل ۲۳ آیه ۲۲

"در مورد خدمت به خدا"

به کوچکترین چیزهایی که داری ایمان داشته باش چون قدرت شما در آن ذره ها جمع شده است.

* "در هر مورد کوچکی با ایمان باشید زیرا قدرت شما در همین ها نفهته است."

* "در هر کدام از آنها مسیح وجود دارد."

* "من یک قلم کوچکی هستم در دست خدای نویسنده ، که به تمام جهان یک نامه عاشقانه می فرستد."

* "من برای موفقیت دعا نمی کنم ، بلکه خواهان ایمان هستم."

* "من می دانم که خداوند چیزی را که نمی توانم انجام دهم از من نخواهد خواست. من فقط آرزو می کنم

که او این قدر به من اعتماد نمی کرد."